

التعامل مع الوالدين

رفتار با پدر و مادر

س ۱۵۷ / والدتي غير أنصارية ولا تسمح لي بحضور مجالس الأنصار، هل يجوز لي أن أحضر مجلس الأنصار لإحياء الوفيات عند سفرها وعدم علمها، علماً بأن والدي غير أنصاري ولكنه يسمح لي بذلك بل ويشجعي على ذلك؟
پرسش ۱۵۷:

مادرم از انصار نيست و به من اجازه حضور در مجالس انصار را نمی‌دهد. آیا من می‌توانم هنگام مسافرت او و بدون اطلاعش در مجالس یادبود و ختم شرکت کنم. با توجه به اینکه پدرم از انصار نيست، ولی به من اجازه این کار را می‌دهد و حتی مرا در این خصوص تشویق نیز می‌کند. (۱)

(۱)- این پرسش از سوی یکی از خواهران انصاری است. (مترجم)

ج/ لا يجب طاعتها في هذا الأمر، وما دام الوالد حفظه الله يؤيد ما تفعلين في طاعة الله فتوكلي على الله، وفقك الله وسدد خطاك.
پاسخ:

اطاعت از او در این مسئله واجب نيست. تا هنگامی که پدر که خداوند حفظش کند. کاری را که در اطاعت از خداوند انجام می‌دهی تأیید می‌کند، بر خداوند توکل کن. خداوند توفیقت عنایت فرماید و گام‌هایت را استوار بدارد.

س ۱۵۸ / اليوم كلمني أبي على مسألة الخروج للمظاهرات وقال لي: إذا خرجت بعد لا أعرفك ولا تعرفني، فقلت له: من الآن لا أعرفك ولا تعرفني وخرجت من البيت فأتى خلفي وأرجعني. مولاي والله لا أعرف ما أفعل فأهلي ليسوا أنصار ويعارضوني في كل ما أفعله لأنهم يعرفون أنني أنصاري وبعض الأحيان عملي للدعوة يعلمون به فيعارضونه ولا أعرف ما أفعل معهم؟ أريد العمل للدعوة وهم يعارضوني وبالتالي أعارضهم وتصير مشاكل بيننا ويقولون لي أين طاعة الوالدين؟ مولاي: ما أفعله صح أو خطأ؟ يرضيك أو لا؟ وكيف أتعامل معهم الله يوفقك ويسهل أمورك؟
پرسش ۱۵۸:

امروز پدرم با من درباره شرکت کردنم در تظاهرات صحبت کرد و گفت: اگر به تظاهرات بروی بعد از آن نه من تو را می‌شناسم و نه تو مرا می‌شناسی. به او

گفتم: از همین لحظه نه من تو را می‌شناسم و نه تو مرا می‌شناسی؛ و از خانه خارج شدم. او پشت سرم آمد و مرا به خانه برگرداند. مولای من! به خدا قسم نمی‌دانم چه کنم. خانواده‌ام جزو انصار نیستند و با من در تمام کارهایی که انجام می‌دهم مخالفت می‌کنند زیرا می‌دانند که من جزو انصار هستم. گاهی از کاری که برای دعوت انجام می‌دهم مطلع می‌شوند و با من مخالفت می‌کنند. نمی‌دانم با آنان چه کنم؟ همین‌که می‌خواهم برای دعوت کاری انجام دهم آن‌ها با من درگیر می‌شوند و به دنبال آن، من هم با آنان درگیر شدم. مشکلات بین ما ادامه دارد. به من می‌گویند پس اطاعت از والدین چه می‌شود؟ مولای من! آیا کاری که انجام می‌دهم درست است یا غلط؟ آیا موجب رضایت شما است یا نه؟ و چطور با آنان رفتار کنم؟ خداوند به شما توفیق دهد و امورتان را آسان فرماید؟

ج/ الأب أكید ينظر لك على أنك جزء منه ويحبك ربما أكثر من نفسه، فأنت عامله من خلال هذه الحقائق ولا تكن قاسياً معه وفقك الله، فالأب الطيب لا يستحق القسوة من أبنائه. حاول أن تجمع بين طاعة الله ومعاملة والدك بكل إحسان وود، وأسأل الله أن يهديهم ويعرفهم الحق ويكونوا لك عوناً. لا تنساني من دعائك وفقك الله.

پاسخ:

قطعاً پدرت با این دید که تو قسمتی از او هستی به تو می‌نگرد. او تو را دوست دارد چه بسا بیش از خودش دوست داشته باشد. با توجه به این واقعیت‌ها با او به نرمی رفتار کن و با او درشت و خشن رفتار نکن. خداوند توفیقت دهد! پدری که طیب و نیکو است مستحق رفتار خشن از سوی فرزندان نیست. سعی کن با تمام نیکی و محبت اطاعت از خداوند و رفتار با والدینت را یکجا گردآوری. از خداوند می‌خواهم آنان را هدایت کند و حق را به آنان بشناساند و آن‌ها یاوران تو باشند.

مرا از دعایت فراموش نکن. خداوند توفیقت دهد!

* * *